

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری
دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته‌ی مترجمی عربی

عنوان

ترجمه‌ی کتاب «تداخل ایجناس ایدیه‌ی فی الروایة العربیة» و تحلیلی کوتاه بر آن

استاد راهنما:

علیرضا شیخی

استاد مشاور:

احمد پاشا زانوس

مترجم:

سمیه شیخها

اسفند ۹۰

تقدیم به

وجود مطلقی که پایانی برای او نیست و به همسر عزیزم که وجودش در همه حال برایم مایه‌ی آرامش بوده و همواره در جاده‌ی پر پیچ و خم زندگی حامی و همراهم بوده است و تقدیم به پدر و مادر مهربانم که پیوسته در طول حیات پربارشان مرا از حمایت‌های بی دریغ خود بهره‌مند ساخته‌اند.

تقدیر

همواره در جاده‌ی علم و پیشرفت بزرگانی بوده‌اند که راه را هموار کرده‌اند.

در اینجا فرصتی فراهم آمده تا از بزرگانی چند قدردانی کنم، بزرگانی که پیوسته راهبر و راهنمایم بوده‌اند. بنابراین از صمیم قلب از اساتید محترم به‌ویژه از استاد راهنما جناب آقای دکتر شیخی که با صبر و حوصله‌ی فراوان اینجانب را در انجام این رساله یاری نمودند و نیز از استاد مشاور جناب آقای دکتر پاشا زانوس کمال تشکر را می‌نمایم.

چکیده

پایان‌نامه‌ی حاضر ترجمه‌ای است از کتاب «تداخل الأجناس الأدبية في الرواية الأدبية» اثر صبحه أحمد علقم. این کتاب با اشاره‌ای کلی به موضوع انواع ادبی و تحولات ناشی از نو شدن آن‌ها و نیز برخی از نظریه‌های ناقدان در این زمینه، آغاز شده است. سپس وارد بحث اصلی خود یعنی رمان و ارتباط محکم آن با درام شده و سعی کرده است به ریشه‌یابی اصطلاح رمان دراماتیک و علل شکل‌گیری این شیوه از رمان‌نویسی بپردازد. در ادامه این کتاب به بحث رمان دراماتیک عربی و تحولات موجود در آن و نیز گرایش رمان‌نویسان به رهایی از بند انواع ادبی کلاسیک و تالیف یک نوع ادبی جدید مانند «نمایشنامه-رمان» تاکید کرده است، و سرانجام به تحلیل گسترده‌ی پنج «نمایشنامه-رمان» عربی پرداخته و هر یک از آن‌ها را از زاویه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: انواع ادبی، رمان عربی، دراماتیک، نمایشنامه، نمایشنامه-رمان.

فهرست

صفحه	عنوان
أ.....	مقدمه مترجم.....
۱.....	مقدمه مؤلف.....
۵.....	فصل اول: رمان دراماتیک (تلاش در ریشه‌یابی اصطلاح).....
۶.....	- شکل‌گیری نوع داستانی (آیا رمان یک نوع ادبی پایدار است؟).....
۱۶.....	- رابطه رمان با حماسه و درام.....
۲۴.....	- درام و گفتگو.....
۳۱.....	- حدود رمان دراماتیک.....
۳۹.....	فصل دوم: رمان دراماتیک عربی.....
۴۰.....	- تلاش‌های اولیه.....
۵۳.....	- نمایشنامه‌نویس رمان می‌نویسد و رمان‌نویس به نمایشنامه پناه می‌برد.....
۶۷.....	- مهارت در رمان‌نویسی و بررسی اشکال جدید.....
۷۳.....	- سبک‌های سوم شخص (دراماتیکی).....
۹۳.....	فصل سوم: بررسی‌های تطبیقی بر شیوه‌های نگارشی «نمایشنامه - رمان».....
۹۴.....	- مقدمه.....
۱۰۴.....	- بنک القلق (توفیق حکیم) آشفتگی در شیوه‌ی رمان‌نویسی.....
۱۱۳.....	- ملف الحادثة ۶۷ (اسماعیل فهد اسماعیل) پنهان ساختن راوی.....
۱۲۱.....	- ظلال علی النافذة (غائب طعمه فرمان) نمایشنامه در رمان.....
۱۳۲.....	- أمام العرش (نجیب محفوظ) تزلزل شیوه‌ی رمان‌نویسی پیشین.....
۱۴۰.....	- موضوع دراماتیکی در قبعتان و رأس واحد (مؤنس رزاز).....
۱۴۸.....	- خاتمه.....
۱۵۲.....	- منابع و مآخذ.....

مقدمه مترجم

زبان و ادبیات جلوه گاه اندیشه، آرمان، فرهنگ و تجارب و روحیات یک جامعه است، انسان-ها در گذر زمان از زبان برای انتقال پیامها، عواطف و اندیشه‌های خویش بهره جسته‌اند و از ادبیات که زبان برتر است به‌عنوان ابزاری، در انتقال بهتر و مؤثرتر اندیشه‌ی خود استفاده کرده‌اند. ادبیات، در تلطیف احساسات، پرورش ذوق و ماندگار کردن ارزش‌ها و اندیشه‌ها سهمی بزرگ و عمده بر دوش داشته است. به همین دلیل هر اندیشه‌ای که در قالب مناسب خویش ریخته شود پایدار و ماندگار خواهد بود.

به‌طور کلی ادبیات سخنانی است که از حد سخنان عادی، برتر و والاتر بوده و مردم آن سخنان را در خور ضبط و نقل دانسته‌اند و از شنیدن آن‌ها دگرگون گشته‌اند و احساس غم و شادی یا لذت و درد کرده‌اند، سخنانی که از اهداف مادی روزمره فاصله گرفته و خود را در پیش‌هنری و ابهامی شاعرانه در گلبرگ‌هایی از ایماژ پیچانده تا در ذهن‌ها تخیل ایجاد نماید و دنیای پر رمز و راز و مه‌آلودی را پیش چشم خوانندگان بگشاید. پس واضح است که یکی از ویژگی‌های مهمی که هر اثر باید داشته باشد تا جزء آثار ادبی به حساب آید، پایداری در طول زمان، گستردگی و مقبولیت آن است.

اگر بخواهیم از دیدگاه علمی به ادبیات بنگریم، باید بتوانیم آثار ادبی را طبقه‌بندی کنیم که این مهم، در ادبیات به‌وسیله‌ی انواع ادبی صورت می‌گیرد. از این روی انواع ادبی یکی از شعبه‌های مهم ادبیات بوده و در سالیان اخیر نیز بیش از پیش مورد توجه محققان ادبیات قرار گرفته است. از همان ابتدا و از زمان ارسطو تا کنون طبقه‌بندی آثار ادبی از مفاهیم عمده‌ی نظریه ادبی بوده و از جنبه‌های مختلفی این آثار مورد طبقه‌بندی قرار گرفته است که مشهورترین آن طبقه‌بندی از جهت مفهوم و پیام درونی است و بر این اساس آثار ادبی به چهار دسته کلی:

حماسی، غنایی، نمایشی، تعلیمی تقسیم‌بندی شده‌اند. اما در ده‌های اخیر طبقه‌بندی انواع با توجه به روش‌های بیانی نوین و ظهور وسایل ارتباطی پیشرفته، طبقه‌بندی سنتی را که منشأ آن ارسطویی است، دست‌خوش تحول ساخته است، این تحول نه تنها دیدگاه سنتی را دچار چالش و دگرگونی کرده، بلکه مباحث تندی را در باب مفاهیم کلیدی این روش، به ویژه پدیده‌ی تداخل و ترکیب انواع گوناگون در یک اثر ایجاد کرده است. یکی از اشتباهات ناقدان قرن هفده و هیجده این بود که تصور می‌کردند انواع ادبی به‌گونه‌ی قالب‌های جامد و ثابت همیشه وجود خواهند داشت و هیچ تغییری در آن‌ها راه ندارد، اما در قرن اخیر از رهگذر مطالعات تاریخی در سیر انواع به این نتیجه رسیده‌اند که هر نوعی خود به خود سیر و تحولی دارد.

امروزه انواع ادبی دیگر مطلق و ثابت تلقی نمی‌شوند، بلکه تحت تأثیر تحول و تکامل تاریخی و نظام‌های نوعی در ادبیات قرار می‌گیرند. در نتیجه در عصر حاضر ویژگی‌های نوعی آثار ادبی، به عنوان پدیده‌های تاریخی و نسبی تلقی می‌شوند.

انواع ادبی نه تنها تحول و دگرگونی می‌یابند، بلکه گاهی تبدیل به نوعی دیگر می‌شود، بدین صورت که با قرار گرفتن در کنار نوع ادبی دیگر، اشکال تازه‌ای را پدید می‌آورند. رمان یکی از این انواع است که پیوسته در طول تاریخ در حال تحول و نو شدن بوده و با توجه به اقتضاءات زمانی خود، تغییر شکل داده است. رمان صورت انگلیسی کلمه Novel می‌باشد که از کلمه فرانسوی Nouvelle (به معنای جدید) گرفته شده است. متنی روایتگر و داستانی است که در قالب نثر نوشته می‌شود. در قرن هجدهم کلمه «رمان» بیشتر برای اشاره به قصه‌های کوتاه در مورد عشق و توطئه بکار می‌رفت، اما در چند قرن اخیر رمان تبدیل به یکی از مهمترین اشکال ادبی شده است.

اما درباره‌ی تعریف رمان باید گفت: ارائه‌ی تعریفی جامع و مانع درباره‌ی رمان، با وسعت و تنوع غریبی که اکنون یافته است، امری بسیار دشوار خواهد بود، چرا که رمان پیوسته با راه و رسم ادبی سر مبارزه داشته و از قالب‌گیری در یک تعریف خاص سرباز زده است. از این رو غالباً اظهار نظرها درباره‌ی آن، حالتی شخصی دارد و چون اظهار نظرهای شخصی شناور و لغزانند، پس

نمی‌توان و نباید در پی تعریف آن برآمد. با این همه کسانی هم بوده‌اند که به این اقدام دست زده و احیانا تعاریفی ناظر بر فرم و ساخت و محتوای رمان‌ها ارائه داده‌اند که از آن جمله تعریف ویلیام هزلیت W. Hazlitt است، او می‌گوید: رمان داستانی است که براساس تقلیدی نزدیک به واقعیت از آدمی و عادات و حالات بشری نوشته شده باشد و به نحوی از انحاء، تصویر جامعه را در خود منعکس کند.

ذکر این نکته لازم است که رمان یک باره و بی‌مقدمه به صورت کامل، هستی نیافت بلکه، پیشرفت نوع ادبی به نام رمانس، با درنوردیدن مرزهای خود منجر به تولد رمان گشته است. رمانس مقدمه‌ی نوع ادبی رمان است که در اواسط قرن دوازدهم میلادی از بطن اسطوره در فرانسه زاده شد. این نوع ادبی در ابتدا در قالب شعر بود، بعد به تدریج به نثر گرایید و عمومیت بیشتری یافت.

شکل و روال تازه‌ی ادبی که ما امروزه از رمان می‌بینیم، یعنی خلق داستانی منثور و طولانی با تاکید بر واقعیت و اصالت و تجربیات و تخیلات فردی و شخصی، هرگز گذشته‌ای طولانی نداشته است و تاریخ پیدایش و طلوع آن در فرهنگ ادبی جهان، از دویست و پنجاه سال تجاوز نمی‌کند. در حقیقت، وقتی آدمی شناسنامه و هویت فردی خود را پیدا کرد، رمان نیز تولد یافت.

قبل از عصر نهضت، نظام فئودالی بر جامعه‌ی اروپایی سلطه داشت و پادشاهی مستبد در رأس این نظام حکومت می‌کرد. طبقه‌ی حاکم، طبقه‌ای باسواد و تحصیل کرده و هدف اصلی آنان حفظ زمین‌ها بود و این طبیعی می‌نمود که به انتشار علم و دانش پردازند و در همه‌ی زمینه‌ها محافظه‌کار باشد. پس جمود فکری و اجتماعی بر چنین جامعه‌ای حکم فرما بود و پناه بردن به عالم تجرد و آرمانی و خیالی از ویژگی‌های بارز تفکر آن دوره گردید.

اما آدمی در چنین جامعه‌ای، زمانی هویت خود را پیدا کرد که از این جمع و گروه جدا و مستقل شد. این جدایی و استقلال فردی، در طی قرن‌های هفدهم تا نوزدهم به تدریج تحقق یافت؛ یعنی در دوره‌ی رشد و اعتلای طبقه‌ای که بعدها از آن به عنوان طبقه‌ی بورژوا یاد شد. این طبقه در ابتدای فعالیت و تجلی، منادی آزادی فردی بود و افراد را از قیود و سنت‌های اشرافی و

فئودالی رهایی داد. انسان متوجه شخصیت و هویت درونی و فردی خود شد و احساسات فردی و شخصی از احساسات جمع جدا شد.

فروپاشی نظام فئودالی و رویدادهایی که باعث تغییر و انقلاب در ساختار اجتماعی و تفکر جامعه شد، منجر به ایجاد یک تغییر ریشه‌ای در ادبیات گردید؛ نویسندگان و ادیبان نیز از سیطره‌ی نظام فئودالی رهایی یافتند و در برابر افق تازه‌ای از ادبیات قرار گرفتند. از این پس آن‌ها به جهان به دیده‌ی واقعیت‌نگریسته و خود به خلق ابتکار، روی آوردند. طبقه‌ی متوسط و مردم عامی، برای اولین بار مورد توجه قرار گرفتند و شخصیت‌های آن‌ها به حوزه‌ی ادبیات راه یافت. با توسعه‌ی بورژوازی، به تدریج خلاقیت‌های فردی و کاوش درونی تکامل یافت. نویسندگان قالب‌های کهنه، قصه‌ها را به کنار افکندند و رفته رفته رمانس، رایج‌ترین شکل در قرون وسطی و دوره‌ی رنسانس، جای برتر خود را به رمان واگذار کرد.

پیدایش رمان در جهان، به عنوان یک قالب و راه و رسم تازه، با ظهور دن کیشوت (۱۶۰۵-۱۶۱۵) اثر سروانتس اسپانیولی داستان‌نویس بزرگ اسپانیایی، همزاد است. رمان در قرن هجدهم، خواننده را با رویاهای ناممکن و تصادف‌های پیش‌بینی‌ناپذیر، مسحور می‌سازد که «دن کیشوت» و «ژاک قضا و قدری» اثر دیدرو، از برجسته‌ترین نمونه‌های رمان این دوره می‌باشد. اما در قرن نوزدهم تغییری بزرگ روی می‌دهد و آن ضرورت واقع‌گرایی است، آثار بالزاک، فلوربر و... با واقع‌گرایی تام خود، آثار پیشین را مسخره جلوه می‌دهد. قرن بیستم، عصیان بر میراث قرن نوزدهم است، اما تأثیر واقع‌گرایی قرن نوزدهم ژرف‌تر و گسترده‌تر از آن است که خلق رمان‌هایی در مایه‌ی «تریسترام شاندی» اثر لاورنس استرن یا «ژاک قضا و قدری» را امکان‌پذیر گرداند.

به هر حال، نوع ادبی نوظهور رمان در مدتی نه چندان طولانی، آن‌چنان گسترش و منزلت یافت که نظر بسیاری از فلاسفه، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، ادیبان و صاحب‌نظران دیگر را به خود جلب کرد. هر گروه از این صاحب‌نظران، از چشم‌انداز ویژه‌ی خود، به بررسی ماهیت، جوهر، شکل و ساختار رمان پرداختند و نظریات متعدد و گاه متناقضی درباره‌ی آن ارائه کردند.

اما در بررسی‌های ادبی هر ملتی، قبل از هر چیز باید به بررسی رویدادهای بزرگی که بر زندگی

آن ملت اثر می‌گذارد، پرداخت، زیرا ادبیات بازتابی است از زندگی مردم و رویدادهایی که در عصر او به وقوع می‌پیوندد. از این روی برای بررسی ادبیات داستانی معاصر عرب، لازم است اندکی به عقب بازگردیم تا ریشه‌های تحول آن را در گذشته‌های نه چندان دور، بیابیم.

بزرگ‌ترین رویدادی که ملت مصر در اواخر قرن هجدهم با آن مواجه شد، حمله‌ی ناگهانی فرانسه در سال ۱۷۹۸ به این کشور است. اگر چه لشکرکشی فرانسه به مصر به رهبری ناپلئون بناپارت با پیگیری هدفی استعماری، برای گسترش دامنه‌ی نفوذ خود به بستن راه هندوستان به انگلستان صورت گرفت که در نهایت نیز به عقب نشینی و ترک قاهره انجامید، اما همین اقامت کوتاه فرانسویان در مصر، نتایج مهمی را برای مصر به همراه داشت که از آن جمله خاتمه دادن به حکومت اترک عثمانی و بیدارسازی مردم بود، به طوری که آنان را در اداره‌ی امور کشور دخالت داد. ناپلئون علاوه بر سرداران مجرب و کارآزموده، نزدیک به دویست تن از پزشکان، مهندسان، مستشرقان، پیشه‌وران، علماء و ... را با بسیاری از لوازم و مهمات، با خود همراه ساخت و نخستین چاپخانه به حروف عربی را در مصر دایر کرد. او همچنین در مصر، مدرسه و کتابخانه و روزنامه تأسیس کرد و دانشمندان فرانسوی به باستان‌شناسی پرداختند و دانش مصرشناسی *tologyEgyp* را پایه‌گذاری کردند. در این هنگام مصریان به عظمت تاریخ نیاکان خود پی بردند و در برابر ترکان عثمانی و فرانسویان اعتماد به نفس بیشتری پیدا کردند و جایی برای احساس حقارت برایشان باقی نماند.

مصریان در سال ۱۸۰۵م محمد علی پاشا را به عنوان رهبر خود برگزیدند. در این زمان فرصتی برای مصر پیش آمد تا سینه‌ی خود را برای فراگیری انواع علوم اروپایی بگشاید. مدارس نظامی، صنعتی و مهندسی تأسیس شد. محمد علی برای اداره‌ی سازمان‌های جدید نخستین هیأت‌ها را که متشکل از جوانان مصری بود به سال ۱۸۱۳م به اروپا اعزام کرد تا علوم و فنون نظامی، کشاورزی، صنعتی، پزشکی، زبان خارجی و حقوق را فرا بگیرند. این دانشجویان پس از بازگشت به مصر، مصدر خدمات عالی گشتند و باعث انقلاب‌های علمی و ادبی در مصر شدند. محمد علی به نهضت چاپ و روزنامه‌نگاری اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌داد. به طور کلی می‌توان آغاز حرکت جدید را در

نگارش نو - اعم از رمان نویسی و امثال آن - تأسیس روزنامه «الوقایع المصریة» دانست، که محمدعلی پاشا در سال ۱۸۲۸ آن را دایر کرد. این حرکت تحولات فراوانی به دنبال داشت و انقلاب روزنامه‌نگاری را در مصر به وجود آورد تا اینکه در سال ۱۸۷۵ روزنامه‌ی «الأهرام» در مصر به وسیله‌ی سلیم و بشارة تقلا - دو برادر لبنانی - تأسیس شد. این روزنامه همواره در سیاست و جامعه - ی مصر تأثیری شگرف داشته است. به دنبال نهضت روزنامه‌نگاری، مجلات فراوانی منتشر شد که همگی مردم را در برابر ظلم و استبداد به سلاح آگاهی و ایمان مجهز می‌کردند. از معروف‌ترین این مجلات، مجله‌ی «الهلل» بود که توسط جرجی زیدان و با شعار «إلى الأمام» (به پیش) در سال ۱۸۹۲ دایر شد. ترجمه به همراه اوج گرفتن روزنامه‌نگاری در بلاد مصر و دیگر سرزمین‌های عثمانی، رواج یافت. در زمان محمدعلی پاشا بیشتر کتب علمی و نظامی ترجمه شد، اما بعدها همه نوع کتابی را به عربی برگرداندند. آثاری مانند «آندروماک» اثر راسین، «بعد از توفان» اثر هنری بوردو، «پاریسی‌زیبا» اثر کونتس‌داش، «سه تفنگدار» اثر الکساندر دوما و «روکامبول» اثر بنسون دوترای، از جمله‌ی این آثارند. برخورد غرب و شرق در نویسندگی اعراب اثری نیرومند گذاشت. ادراک و احساس و خردگرایی اعراب که در بند فقر و بی‌خبری بود، اکنون مجالی برای یافته بود. به بیان دیگر، روزنامه‌نگاری و چاپ مطبوعات کمک بیشتری به نشر ادبیات داستانی اعراب کرد.

اما گرایش‌ها در رمان‌نویسی نو عرب، به طور کلی به دو جریان عمده مربوط می‌شود، که عبارتند از: «گرایش تاریخی» و «گرایش اجتماعی». ظلم و ستم عثمانی‌ها و ترک‌تازی‌های آنان که با قتل و غارت همراه بود، توده‌های محروم جامعه را به استضعاف و بی‌خبری و نومیدی سوق داده بود. اکنون روشنفکران عرب با در دست داشتن سلاح کاری ژورنالیسم و مطبوعات، بر آن شدند تا با آگاه کردن توده‌ها آنان را علیه ستمگران عثمانی بشورانند. بنابراین نخست اعراب را به سوی نوعی بازگشت به خویشتن کشانیدند، تا احساس حقارت و عادت به ستم‌پذیری را در آنان از میان ببرند. از این رو، رمان‌های این دوره، به نوعی تاریخ را بازگو می‌کرد، البته با ارائه‌ی الگوهای اخلاقی والا و رشادت‌ها و گوشه‌هایی از مبارزه با فساد و تباهی که در تاریخ اندک نیست. بدین - ترتیب کسانی مانند سلیم البستانی، جرجی زیدان و فرح‌آنطون نوشتن این نوع رمان را دنبال کردند.

رخداد مهم دیگری که تأثیر بسیار عمیقی بر روند رمان عربی داشت، شکست ژوئن ۱۹۶۷ بود، این شکست شوک و ضربه‌ای بود که جهان عرب را بیدار ساخت و باعث شد تا موقعیت خود را ارزیابی کند و خویشتن را از حوزه مسائل جنسی و عاشقانه و عرفان سطحی و اجتماعیات بی‌خطر برهاند.

به طور کلی می‌توان دوره‌ی رمان‌نویسی عرب را به سه مرحله اساسی تقسیم کرد:

۱. مرحله‌ی تقلید، ترجمه و تعریب (۱۸۵۰-۱۹۱۴م)

۲. مرحله‌ی ابداع (۱۹۱۴-۱۹۳۹م)

۳. مرحله‌ی تکوین و بلوغ (۱۹۳۹ تا کنون)

مرحله‌ی اول: در نتیجه‌ی پیوند ادبیات عربی با ادبیات اروپایی، نگرشی جدید متولد شد که قبل از آن در ادبیات عربی وجود نداشت. ترجمه زمینه‌ای را برای ادبیات جدید فراهم آورد تا تحت تأثیر ادبیات غرب تکامل یابد. لازم به ذکر است که در مراحل اولیه، ترجمه از ادبیات فرانسه بیش از دیگر کشورهای اروپایی بوده است.

حرکت ترجمه در زمینه‌ی علوم مختلف که از زمان محمد علی آغاز شده بود، بعد از وفات وی فروکش کرد و راکد شد، اما با فرا رسیدن عصر اسماعیل، دوباره حرکت گسترده‌ی ترجمه که همه‌ی علوم و معارف و مخصوصاً ادبیات را فرا می‌گرفت، از سر گرفته شد. در واقع این دوره، دوره‌ی طلایی ترجمه به شمار می‌رود، مخصوصاً در زمینه‌ی رمان که با استقبال بی‌نظیر مردم و علاقه‌ی آن‌ها روبه‌رو شد. اولین ترجمه‌ی رمان در مصر ترجمه‌ی «مغامرات تلیماک» اثر فنلون Fenelone بود که توسط رفاعه طهطاوی طی سال‌های ۱۸۵۱-۱۸۵۴م ترجمه شد.

مرحله‌ی دوم: دوره‌ی بین دو جنگ جهانی، مرحله‌ی ابداع داستان نوین عربی در مصر به شمار می‌رود. جنگ جهانی اول و رویدادها و حوادث بعد از آن، تغییر ارزش‌ها، پیشرفت فرهنگ و سیاست، آگاهی و بیداری ملت همراه با شورش‌ها و انقلاب‌های ملی، مخصوصاً انقلاب ۱۹۱۹م و رشد و نمو طبقه‌ی متوسط با گرایش به استقلال مصر و ... جوی جدید و ذوقی متفاوت از گذشته را خلق نمود و خواهان ساختار و اسلوبی جدید برای بیان تحولات جدید شد.

تولد رمان جدید در مصر با رهایی از تقلید صورت پذیرفت. نویسندگان دریافتند وظیفه‌ی ادبیات، بیان مشکلات و واقعیت جامعه است، پس آنچه را که از رمان فنی غرب گرفتند، در خدمت جامعه به کار بستند تا رمان را به جایگاهی که شایسته‌ی آن بود، برسانند.

اگر چه در زمینه‌ی تعیین اولین رمان فنی، میان ناقدان و ادیبان اختلاف نظر وجود دارد، اما اکثر آن‌ها تولد رمان فنی به مفهوم امروزی آن را هم‌زمان با پیدایش رمان «زینب» می‌دانند. محمد حسین هیکل در سال ۱۹۱۰م در پاریس، متأثر از فرهنگ فرانسوی نگارش رمان زینب را آغاز کرد و در سال ۱۹۱۲م با عنوان «أخلاق و مناظر ريفية» به قلم کشاورز مصری به چاپ رساند و سرانجام در سال ۱۹۱۴م آن را با عنوان اصلی خود «زینب» منتشر نمود.

هیکل رمان زینب را به زبان فصیح نگاشت و گفتگوها را به زبان عامیانه نزدیک ساخت. او در میدان نوسازی ادبیات، با اسلوبی جدید وارد حوزه‌ی ادبیات شد، اسلوبی سهل و آسان و به دور از آرایش‌های لفظی. رمان زینب، ماجرای دلبستگی جوانی به دختر عمیش است که اختلاف طبقاتی مانع ازدواج این دو و حتی، ابراز این عشق می‌شود. هیکل، در این قصه، تمامی سنت‌های پوسیده و اعتقادات خرافی روستاهای مصر را با واژگان به تصویر می‌کشد، و تا حدی نیز از آن انتقاد می‌کند.

مرحله‌ی سوم: نویسندگان این مرحله در رمان‌های خود، مسائل زندگی عربی را با ساختار فنی قدرتمند خود مطرح نمودند. با توجه به گرایش‌های فکری و سیاسی نویسندگان، رمان‌های این مرحله شامل رمان‌های سیاسی، اجتماعی، تاریخی، فلسفی، واقع‌گرایی و روانشناسی بود؛ مثلاً جنگ و بدبختی‌ها و مصیبت‌های مربوط به آن در رمان «الرغیف» از توفیق یوسف عواد، و مشکلاتی چون پوچ‌گرایی، غربت انسان و گم‌گشتگی و جدایی او از واقعیت، در رمان «اللس و الکلاب»، «الطریق» و «السمان و الخریف» از نجیب محفوظ بیان شده است.

گرایش به واقعیت و بازتاب‌های آن در رمان، به مرحله‌ی بعد از جنگ جهانی دوم مخصوصاً

به دهه‌ی پنجاه می‌رسد. انقلاب‌های ملی آزادی‌خواهانه در کشورهای عربی این فرصت را برای نویسندگان فراهم آورد تا با واقعیت و حقیقت پیوند بخورند و به شرح وقایع عصر خود پردازند.

دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد، ماده‌ی تاریخی به عنوان وسیله‌ای در بیان واقعیت سیاسی جامعه‌ی عربی، توسط بیشتر رمان‌نویسان عرب، به کار گرفته شد. دعوت به ملی‌گرایی و استقلال، از آغاز قرن بیستم و حضور شخصیت مصری در آثار ادبی و همچنین اکتشافات آثار باستانی مصر در سال‌های ۱۸۲۳م و ۱۹۲۳م که همچون یک شوک، جامعه‌ی مصری را در برابر حقیقت میراث گذشتگان آنان بیدار نمود، شکست ژوئن و حرکت فرهنگی برای قطع ارتباط رمان عربی، از مهمترین عواملی به شمار می‌رود که باعث رویکرد نویسندگان به میراث و اساطیر و تاریخ کهن بود تا از خلال آن، هویت خود را بازیابند.

این اثر بر آن است تا در پرتو منابع موجود در این حوزه به بررسی این نوع ادبی (رمان) پردازد و تحولات ناشی از جامعه‌ی عربی را در آن مورد تحلیل قرار دهد.

کتاب «تداخل الأجناس الأدبية في الرواية العربية» اثر صحبة أحمد علقم از نویسندگان معاصر اردن می‌باشد و همان‌طور که از عنوانش پیداست به بحث تداخل انواع ادبی پرداخته است. بحثی که پیوسته مورد توجه ناقدان و پژوهشگران بوده و تاثیر قابل ملاحظه‌ای در روند تحول آثار ادبی داشته است.

نویسنده در این اثر سعی کرده است با ذکر نظریات مختلف اندیشمندان و ناقدان در زمینه‌ی انواع ادبی و نیز تداخل و تاثیرات آن، به بررسی این موضوع و تعقیب تحولات ناشی از این تداخل در رمان عربی پردازد.

از آنجا که انواع ادبی یکی از شاخه‌های اصلی و مهم مطالعات ادبی به شمار می‌رود، هرگونه تغییر و تحولی در آن در خور بررسی و تامل می‌باشد و نظریه‌ی انواع ادبی کوششی در این زمینه است. انواع ادبی، در ردیف نظام‌هایی از قبیل سبک‌شناسی و نقد ادبی، یکی از اقسام جدید علوم ادبی است که پیوسته از موضوعات پرطرفدار در سطح ادبیات جهانی محسوب می‌شود. موضوعی

که با گذشت زمان نه تنها از ارزش آن کاسته نمی‌شود، بلکه بنابر اقتضات جامعه و تنش‌های موجود در آن پیوسته جزء موضوعات نو و پراهمیت به شمار رفته است.

کتاب حاضر بر آن است تا با مطرح ساختن نظریه‌های افراد صاحب نظر در حوزه‌ی انواع ادبی، این موضوع را به‌طور دقیق مورد بررسی قرار دهد. برخی از ناقدان در ابتدا تصور می‌کردند که انواع ادبی همیشه به شکل قالب‌هایی ثابت باقی خواهند ماند و هیچ تغییری در آن‌ها راه ندارد. اما در تئوری‌های جدید انواع ادبی، این نظریه رد شده است و بر این باورند که انواع ادبی در گذر زمان دچار تحول شده و قادرند با یکدیگر درآمیزند و انواع جدیدی را به وجود آورند.

می‌توان گفت تحول انواع ادبی، تحت تاثیر آفرینندگان آثار ادبی و تمدن‌های گوناگون و نیز سیر تاریخی آن رخ می‌دهد. و یک ناقد برای کشف علل تحول، باید هر نوع ادبی را در سیر تاریخی خود و اینکه چگونه به وجود آمده و چگونه راه کمال را پیموده، مورد بررسی قرار دهد.

نویسنده بعد از پاسخ به سوال مذکور و جهت دادن به مخاطب خود، سعی می‌کند وارد موضوع اصلی خود یعنی رمان و تحولات موجود در آن شود و به نحوه‌ی پیدایش رمان و تحولات ناشی از نیازها و مشکلات جامعه‌ی عربی بپردازد.

با توجه به مطالب مذکور در این اثر، به نظر می‌رسد رمان در مرحله‌ی اولیه‌ی ظهور خود، به عنوان یک نوع ادبی مستقل و درخور توجه، پذیرفته نشد و حتی برخی از ناقدان در تلاش بودند تا رمان را در لیست انواع ادبی درجه پایین قرار دهند، اما با گذشت زمان و تغییرات فراوان اجتماعی و اقتضات فکری جدید، جامعه نیازمند ساختاری نو و انعطاف پذیر شد، ساختاری که قادر باشد با واقعیت‌ها و تحولات علمی، اجتماعی، سیاسی و ... ارتباط برقرار کند و همچون زبانی گویا به بیان افکار و اندیشه‌ی آدمی و نیز واقعیت‌های جامعه‌ی بشری بپردازد و رمان به دلیل داشتن این ویژگی‌ها توانست، جایگاه خود را به عنوان یک نوع ادبی پر کاربرد در ادبیات جهان بدست آورد.

برخی معتقدند که رمان، تنها فنی است که دائما در تغییر و تحول و سیر تکاملی به سر می‌برد، زیرا این فن پیوسته در هر دوره توانسته است خود را با واقعیت‌ها و نیازها و علوم موجود آن دوره،

تطبیق دهد و خود را از رکود و ساکن بودن برهاند.

در ادامه‌ی این کتاب ملاحظه می‌کنیم که نویسنده به رابطه‌ی رمان با دیگر انواع ادبی همچون: حماسه، درام، نمایشنامه و غیره پرداخته و هر یک را به طور دقیق و همراه با نظریات و دیدگاه‌های ناقدان بررسی کرده است و بدین ترتیب نحوه‌ی تداخل انواع ادبی را در رمان عربی به طور واضح شرح داده و به تحلیل برخی از آثار داستانی مهم عربی پرداخته است، به طوری که خواننده با مطالعه‌ی این کتاب می‌تواند پاسخی از سوال‌های خود را در حوزه‌ی رمان و بالاخص رمان عربی بدست آورد.

به نظر می‌رسد نویسنده‌ی این کتاب تا حد قابل قبولی در بررسی موضوع مورد نظر خود موفق بوده و توانسته است بحث تداخل انواع ادبی را به ویژه در رمان، برای مخاطب خویش شفاف‌سازی کند.

بنابر مطالب مذکور درمی‌یابیم که اهمیت انواع ادبی و پژوهش‌هایی از این قبیل تا حدی است که هیچ گونه بی‌توجهی و کوتاهی را در این زمینه بر نمی‌تابد، چرا که ادبیات هر ملتی با آثار ادبی آن ملت و میزان تکامل و پویایی این آثار محک زده می‌شود و هر جامعه‌ای که خواستار ادبیاتی غنی است، به ناچار باید در حوزه‌های مختلف آن حرفی برای گفتن داشته باشد تا بتواند به بارور شدن ادبیات خویش و نیز رشد و تحول آن کمک کند.

بحث رمان و نحوه‌ی پیدایش و سیر تکاملی آن، تقریباً در تمام ادبیات‌ها چه در غرب و چه در ایران و کشورهای عربی از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته و کتاب‌های بسیاری در این زمینه به چاپ رسیده است. در حوزه‌ی ادبیات فارسی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- کتاب «داستان و ادبیات» و «قصه، داستان کوتاه، رمان» تالیف جمال میرصادقی.
- «رمان تاریخی» تالیف محمد غلام.
- «پیدایش رمان فارسی» تالیف دستغیب عبدالعلی.
- «رمان چیست؟» تالیف محسن سلیمانی.

اما در حوزه‌ی ادبیات عرب:

- «تطور الرواية العربية الحديثة في مصر» نوشته‌ی طه بدر .
- «الخطاب الروائي» و «الرواية أفقا للشكل و الخطاب المتعددين» نوشته‌ی محمد براده.
- «الرواية العربية في رحاة العذاب» نوشته‌ی شكري غالي.
- «عندما تلجأ الرواية للمسرحية» نوشته‌ی خشاب وليد.
- «تطور الرواية العربية الحديثة في بلاد شام» نوشته‌ی ابراهيم السعافين.

در حوزه‌ی ادبیات غرب:

- «ساختار رمان» اثر مویر ادوین.
- «نظریه‌ی رمان» اثر جورج لوکاج.
- «درآمدی بر نظریه‌های رمان» اثر پیر شارتیه.
- «فن رمان» اثر پرسی لبوک.
- «جنبه‌های رمان» اثر ادوارد مورگان.

اما این کتاب شامل سه فصل می‌باشد. در فصل اول بحث ریشه‌یابی اصطلاح رمان دراماتیک مطرح و سعی شده است با عنوان ساختن نظریه‌هایی درباره‌ی انواع ادبی و تداخل موجود در آن، به این سوال که آیا رمان یک نوع ادبی پایدار است؟ پاسخ داده شود. در ادامه این فصل به بیان پیوندهای موجود بین رمان با حماسه و نمایشنامه می‌پردازد و حدود رمان دراماتیک را تبیین می‌کند.

محتوای فصل دوم حول رمان دراماتیک عربی دور می‌زند و سعی می‌کند به بیان تلاش‌های اولیه‌ی رمان‌نویسان برای تغییر ساختار رمان کلاسیک و گرایش به اسلوب‌های جدید بپردازد. این فصل ضمن شرح تلاش‌های مهارت نویسندگی و بررسی ساختارهای جدید به ذکر تناسب آن‌ها با واقعیت جامعه‌ی عربی پس از شکست ژوئن می‌پردازد.

فصل سوم و در واقع فصل آخر به تحلیل پنج نمایشنامه- رمان عربی اختصاص داده شده است. نویسندگان در این فصل سعی کرده هر یک از این آثار را از زاویه‌ای خاص مورد تحلیل قرار دهد و به بیان برخی از ویژگی‌های این نمایشنامه- رمان‌ها از جمله: غلبه‌ی گفتگو بر روایت، دور بودن

راوی از صحنه‌ی نمایش و دیگر ویژگی‌ها پردازد. این کتاب با خاتمه و تبیین نتایج بدست آمده از این اثر به پایان می‌رسد.

با توجه به اینکه این کتاب یک اثر علمی پژوهشی است، نویسنده زبانی کاملاً جدی را برای نگارش آن برگزیده است. وی با رعایت امانت به ذکر سخنان و نظریه‌های افراد صاحب نظر می‌پردازد و سپس اقدام به نقد و تحلیل آن‌ها می‌کند. او در گفتار خویش از زبان محاوره استفاده نکرده، بلکه با همان زبان نوشتاری به بیان نظرات خویش پرداخته است. جملات او تقریباً روان و قابل فهم می‌باشد اما در پاره‌ای از موارد، جملات طولانی بوده و درک مفهوم آن دشوار است، خصوصاً قسمت‌هایی که از کتب ترجمه شده گرفته شده است. همچنین رعایت نشدن اسلوب نگارشی از جمله ویرگول، نقطه ... در اکثر قسمت‌ها فهم آن را با مشکل مواجه کرده است.

در اینجا لازم می‌دانم که به عنوان مترجم این کتاب، به ذکر مراحل کاری خویش و مشکلاتی که با آن مواجه بودم پردازم. اینجانب برای ترجمه‌ی این اثر ابتدا اقدام به مطالعه‌ی کتاب‌هایی در حوزه‌ی انواع ادبی به ویژه رمان کردم تا در این حوزه اطلاعات خود را تقویت کنم، سپس چندین بار متن مبدأ را مطالعه نمودم تا بدین ترتیب تصویری کلی از مطالب کتاب در ذهنم نقش ببندد. در مرحله‌ی بعد و با در نظر گرفتن نوع کتاب (علمی) و رعایت امانت زبان مبدأ، شیوه‌ی ترجمه‌ی ارتباطی را برای ترجمه‌ی خویش برگزیدم و تلاش کردم خللی در مقصود نویسنده ایجاد نکنم.

از آنجا که هر زبانی اسلوب نگارشی خاص خود را می‌طلبد، سعی کردم که زبان مبدأ را با حفظ مفهوم آن به اسلوب نگارشی زبان مقصد و به جملاتی روان و قابل فهم تبدیل کنم، به طوری که خواننده‌ی فارسی زبان، با خواندن این کتاب ابهام و پیچیدگی‌ای در آن احساس نکند.

باید توجه داشت که ترجمه از ابتدای پیدایش تا کنون پیوسته دارای دشواری‌ها و مشکلاتی بوده است. با توجه به اینکه این کتاب دارای اصطلاحات ادبی تخصصی بود، اینجانب برای معادل‌یابی آن‌ها به یک فرهنگ اصطلاحات ادبی داشتم، اما متأسفانه نبود فرهنگ اصطلاحات ادبی عربی-فارسی مرا در این زمینه با مشکل مواجه ساخت که با توجه به آمار فراوان کتاب‌های تخصصی، وجود چنین فرهنگ‌هایی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین وجود برخی از لهجه‌های

عامیانه در این کتاب و کمبود منبع موثق در این حوزه از دیگر مشکلاتی است که مترجمان عربی با آن روبرو هستند.

به هر حال ترجمه‌ی حاضر نتیجه‌ای است از تلاش مداوم این حقیر و کمک‌ها و ارشادات اساتید محترم و بدیهی است که هیچ عملی بی نقص نبوده و کمال تنها براننده‌ی پرودگار یکتاست.

سمیه شیخها

بهمن ۹۰

تداخل انواع ادبی در رمان عربی